

انتقاد قضائی

سؤالی یکی از خانم‌ها از یکنفر وکیل دادگستری مینماید به این شرح که وی دارای دو فرزند است که یکی را از مؤسسات خیریه قبول نموده و دومی نیز فرزند واقعی او است و اتفاقاً برای اینها که اولی پسر و دومی دختر است شناسنامه‌ای گرفته که مشخصات سجلی او و شوهرش در شناسنامه هر دو آنان به عنوان پدر و مادر ثبت شده و با این وضع سجلی و خانوادگی این دو نفر هر کدام از یک پدر و مادر جداگانه‌ای هستند در صدد ازدواج برآمده‌اند در حالیکه در شناسنامه و اعتبار ناشی از آن این دو نفر با هم (قرابت خواهری و برادری) دارند و حال چگونه و از چه طریقی میتوانند چنین اشکالی را برطرف نمایند و قصد ازدواج را جامه عمل بپوشانند؟

آقای وکیل محترم در جواب اظهار عقیده نموده‌اند که از لحاظ حرمت نکاح با توجه به واقعیت امر اشکالی نیست زیرا قرابت نسبی حرمت نکاح حاکم است و نه حرمت رضاعی بوجود آمده و از نظر قانونی با مراجعه به دادگاه شهرستان شناسنامه‌ای که از لحاظ مشخصات سجلی ابویین تعارض با واقعیت دارد باید (ابطال) شود و بعداً مبادرت به ازدواج نمایند.

و همین اظهار عقیده و دلالت برای ابطال بود که نگارنده را بر آن داشت مسأله را از نظر قواعد و قوانین مدنی و ثبت احوال مورد تجزیه و تحلیل قانونی و قضائی قرار دهم تا دلالت قضائی و راهنمایی قانونی برای علاقمندان نتیجه مثبت و مفیدی داشته باشد.

با توجه کامل به مجموع مقررات قانون مدنی ثبت احوال که توضیح مواد آن در این مختصر نمی‌گنجد و فعلاً از نظر قضائی مدار عمل می‌باشد اینست که شخصی که در ثبت مشخصات سجلی ابویین او اشتباه شده و در نتیجه خصوصیات فرد دیگری بر خلاف واقع بجای مشخصات پدر و مادر او ثبت شده است نباید برای رفع آن به ابطال شناسنامه خود متوسل شود زیرا در صورت تقاضای ابطال نه دادگاه مرجع رسیدگی صلاحیت قضائی برای صدور دادنامه ابطال دارد و نه در صورت

تحصیل حکم ابطال گرهی از مشکل سجلی دارندۀ شناسنامه گشوده می‌شود بلکه برعکس مشکل تازه‌ای بر اشکالات سابقه می‌افزاید و اینک توضیحات آن :

۱ - تقاضای ابطال شناسنامه در قواعد موجوده به معنی اخص آن در دو مورد است که اولی مکرر بودن شناسنامه در حق یک فرد ایرانی ، دومی مخصوص سواری است که برای یک نفر تبعۀ بیگانه من دون حق شناسنامه صادر شده‌است در مورد اشکال مبتلا به نه‌شناسنامۀ مکرری در میان است و نه پای یک‌فرد تبعه بیگانه که ابطال شناسنامه اقتضا نماید .

۲ - بالفرض تحصیل دادنامه برای ابطال شناسنامه و اجرای آن در اسناد سجلی تازه اول گرفتاری جدیدی است که محکوم له بدون شناسنامه بودن خود را در مراجع قانونی احراز و شناسنامۀ جدیدی با مشخصات کاملاً مغایر با خصوصیات شناسنامۀ ابطال شده تحصیل نماید که آنوقت نیز چنین شناسنامه برفرض تأمین نظر ازدواج وی چون از نظر مشخصات سجلی با شناسنامۀ سابق مختلف است دوچار مشکلات گوناگونی خواهد بود که از نظر مدارک تحصیلی و معاملات قانونی و یا روابط بانکی و ده‌ها از این قبیل در مراجع قانونی با موانع و مشکلات لاینحلی مواجه خواهد شد . بنا براین بطور خلاصه به این نتیجه می‌رسیم که دلالت چنین شخصی برای ابطال شناسنامه بدون توجه و عنایت به عدم امکان اختیارات قضائی و اعتبار قانونی شناسنامه در سایر قسمتهای درست آن و همچنین پیدا شدن اشکالات تازه‌ای صورت گرفته و به نظر این جانب پیشرفت دعوی مطروحه در اینست که (اصلاح شناسنامه خود را) در مورد اشتباه مفروضه بطور غیر قابل اجتنابی باید به طرفیت پدر و مادریکه نام و مشخصات آنان در شناسنامه درج شده و همچنین پدر و مادریکه خصوصیات سجلی آنان جایگزین مشخصات موجوده خواهد بود در دادگاه شهرستان محل صدور شناسنامه طرح و اقامه نماید و در چنین موقعیت دادرسی قضائی است که بعد از احراز و اثبات ادعا و تحصیل حکم اصلاح شناسنامه نام و مشخصات پدر و مادر واقعی جایگزین مندرجات اشتباه سابق خواهد بود و در عین حال با حفظ موجودیت قانونی شناسنامه بحقوق دیگردارنده آن لطمه‌ای وارد نخواهد گشت .